

پناهیان: مگر می‌شود کسی زندگی را دوست نداشته باشد ولی از خدا طول عمر بخواهد؟! انقلابی بودن یعنی اگر کسی خواست مانع زندگی بهتر ما شود، در مقابلش بایستیم/ غربی‌ها ما را به شهوت دعوت می‌کنند تا همیشه فقیر باقی بمانیم/ دعایی از امام هادی(ع) برای دنیای بهتر +صوت

تنها مسیر برای زندگی بهتر: ۱۰

دین ما دستورات و توصیه‌هایی دارد که آدم‌های سطحی‌نگر احساس می‌کنند این توصیه‌ها با هم متعارض هستند و قابل جمع نیستند. مثلاً در دین ما، هم پیشنهاد زهد داده شده و هم به فعالیت و جمع کردن مال امر می‌شود. یا به ما گفته شده «به لقاءالله علاقه داشته باشید و از سوی دیگر در برخی ادعیه از خدا می‌خواهیم که عمر ما را طولانی کند.

حجت الاسلام علی‌رضا پناهیان که در رمضان گذشته با موضوع «تنها مسیر-راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی» سخنرانی کرد و مورد استقبال جوانان قرار گرفت، امسال قرار است به مدت ۳۰ شب در مسجد امام صادق(ع) میدان فلسطین به موضوع «تنها مسیر برای زندگی بهتر» بپردازد و به سوال «چگونه یک زندگی بهتر داشته باشیم؟» پاسخ دهد. در ادامه فراهایی از **دهمین جلسه** این سخنرانی را می‌خوانید:

آدم سطحی‌نگر و ساده، نمی‌تواند دین را بفهمد/دین هم دستور به زهد داده، هم جمع مال

بعضی‌ها دارای ذهن ساده‌ای هستند و وقتی با یک مسأله پیچیده‌ای مواجه می‌شوند احساس تعارض یا بن‌بست به آنها دست می‌دهد. دین از مقوله‌های بسیار عمیق عقلانی است و اگر کسی می‌خواهد دین را بفهمد باید یک‌مقدار آدم پیچیده‌ای باشد. آدم سطحی‌نگر و ساده نمی‌تواند دین را خوب بفهمد، و قدم به قدم دربارهٔ دین، احساس تعارض می‌کند.

دین ما دستورات و توصیه‌هایی دارد که آدم‌های سطحی‌نگر احساس می‌کنند این توصیه‌ها با هم متعارض هستند و قابل جمع نیستند. مثلاً در دین ما، هم پیشنهاد زهد داده شده و هم به فعالیت و جمع کردن مال امر می‌شود(الإمام الصادق ع: لا خیرَ فیمن لا یُحِبُّ جَمَعَ المَالِ مِنَ الحَلَالِ؛ فیکفَّ بهِ وَجْهَهُ وَ یَقْضِیَ بهِ دَیْنَهُ؛ کافی/۷/۷۲) همچنین در این دین، به ما گفته شده است «به لقاء الله علاقه داشته باشید» و از سوی دیگر در برخی ادعیه از خدا می‌خواهیم که عمر ما را طولانی کند. مثلاً در دعای شبهای ماه مبارک رمضان می‌خوانیم: «خدا یا عمر مرا طولانی کن؛ اَنْ تُطیلَ عُمْرِی»(کافی/۴/۱۶۲) کسی که ذهن پیچیده‌ای نداشته باشد و آمادگی درک پیچیدگی‌های دین را نداشته باشد می‌گوید: «بنا بود که ما عاشق ملاقات خدا باشیم و از این دنیا برویم، پس چرا دعا می‌کنیم که خدا ما را در این دنیا بیشتر نگه دارد؟!»

بحث ما دربارهٔ این بود که ما نه‌تنها باید به زندگی اهمیت بدهیم، بلکه به زندگی بهتر هم باید اهمیت بدهیم. و نه‌تنها باید به زندگی بهتر از نظر معنوی اهمیت دهیم، بلکه باید به زندگی بهتر از نظر مادی هم اهمیت دهیم و برای رسیدن به زندگی مادی بهتر، نه‌تنها باید از عوامل معنوی کمک بگیریم، بلکه از عوامل مادی هم باید کمک بگیریم. مثلاً اینکه به ما توصیه شده است: نباید سرمایه خود را راکد نگه داریم بلکه آن را به کار بیندازیم. یا اینکه تجارت و کسب و کار، دوران پیری و بازنشستگی ندارد و باید تا آخر ادامه دهیم. یا اینکه باید سعی کنیم خانه وسیع داشته باشیم، البته اگر برای اینها سعی کردیم و نشد، تسلیم مقدرات الهی می‌شویم.

دعایی از امام هادی(ع) برای دنیای بهتر شده است/ آدم برای رشد لازم نیست حتماً زجر بکشد

از امام هادی(ع) دعایی نقل شده است که آداب مفصلی دارد و برای کسی که خیلی گرفتار است(یا حاجت مهمی دارد) خواندن این دعا در روز جمعه، توصیه شده است. در این دعا به صورت کاملاً صریح، تقاضای دنیای بهتر شده و بسیاری از نکاتی که ممکن است در ذهن کسی سؤال پیش بیاید را توضیح می‌دهد. مثلاً «نکند دنیای بهتر ما را غافل کند؟ نکند دنیای بهتر اساساً بد باشد؟» این دعای شریف بسیاری از این نکات و سؤالات ما را پاسخ می‌دهد.

در اینجا می‌خواهیم فراهایی از این دعای شریف را با هم مرور کنیم. در اواسط این دعا می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَعِيشَةِ»(مصباح‌المتهجد/۱/۳۵۱) یعنی «خدایا به من بهترین زندگی را بده» و البته در اینجا بیشتر جنبهٔ مادی معیشت مورد نظر است. ان‌شاء الله یک روزی برسد که ما این رشد معنوی‌ای که در اثر زحمات و زجرها پیدا می‌کنیم، همین رشد را با معرفت خودمان پیدا کنیم، و با محبت به امام زمان(ع) پیدا کنیم و با حکومت و مدیریت عالی حضرت به همین رشد برسیم. آدم برای رشد لازم نیست که حتماً زجر بکشد، البته در عین حال اگر کسی به زحمت افتاد و تقصیر خودش نبود، در عالم آخرت جلوتر است.

در فراز بعدی این دعا می‌خوانیم: «مَعِيشَةٌ أَقْوَى بِهَا عَلَيَّ جَمِيعَ حَاجَاتِي» خدایا به من معیشتی بده که با این معیشت، قوت پیدا کنم و بتوانم همهٔ حاجات خودم را برآورده کنم. «وَ أَوْسَلُ بِهَا إِلَيْكَ فِي حَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي آخِرَتِي» و بتوانم از این زندگی برای حیات دنیا و حیات آخرت به خوبی استفاده کنم. «مِنْ غَيْرِ أَنْ تُتْرَفَنِي فِيهَا فَأَطْعِي» بدون اینکه در این زندگی خوب خودم دچار اسراف‌کاری بشوم که طغیان کنم «أَوْ تُقْتَرَهَا عَلَيَّ فَأَشْقِي» خدایا به من زندگی‌ای بده که در این زندگی به من سخت‌گیری که دچار شقاوت شوم(نه دچار اسراف بشوم و نه دچار سختی شوم) «وَ أَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ خَلَالِ رِزْقِكَ» و رزق حلال را برای من وسیع کن. شبیه این عبارت را در تعقیبات نمازهای یومیهٔ ماه مبارک رمضان هم داریم که از خدا می‌خواهیم رزق حلال وسیع به ما بدهد: «أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَ تَوْسِعَ رِزْقِي»(مصباح‌المتهجد/۲/۶۱۵)

اینکه «خدا نزد دل‌های شکسته است» معنایش این نیست که خدا فقط فقرا را تحویل می‌گیرد!

وقتی گفته می‌شود «خدا نزد دل‌های شکسته است» بعضی‌ها فکر می‌کنند معنایش این است که خدا فقط فقرا را تحویل می‌گیرد! یا تصور می‌کنند اصل بر این است که آدم‌ها گرفتار و بدبخت باشند! یا می‌گویند: «اصلاً اینها هستند که اهل دعا و مسجد هستند و الا اگر خوشحال باشید که نباید مسجد بروید و دعا بخوانید!»

اینکه خدا نزد دل‌های شکسته است(سُئِلَ أَيْنَ اللّٰهُ؟ فَقَالَ: عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبُهُم؛ الدعوات/۱۲۰) به خاطر این است که خداوند مثل مادر مهربان و دلسوزی است که از اذیت شدن فرزندش ناراحت می‌شود و او را در آغوش می‌گیرد، نه اینکه دوست دارد او همیشه اذیت شود! وقتی یک مادری فرزند رنجورش را در آغوش می‌گیرد و نوازش می‌کند معنایش این نیست که او دوست دارد فرزندش همیشه ناراحت و گریان باشد!

در ادامهٔ این دعا می‌خوانیم: «وَ أَفْضُ عَلَيَّ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ مِنْ فَضْلِكَ» خدایا از هر طریقی که دوست داری از فضل خودت بر من ببار «وَ أَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ» رحمت خودت را برای من جاری کن و برکات خودت را بر من نازل کن «بِعَمَّةٍ مِنْكَ سَابِقَةً وَ عَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ» خدایا من از تو نعمت تام و تمام می‌خواهم(نه نعمتی که یک قسمتی از آن نقص داشته باشد) و در ضمن، این نعمت برای من مداوم باشد.

نگاه کنید که چطور می‌باید دعا کنیم! یک وقت نروید در خانه خدا و بگویید: خدایا! فقط همین یک مشکل مرا برطرف کن! همت خود را خیلی بالا ببرید. در این دعا می‌بینید که کلاً سعادت دنیوی و آخرتی را از خدا طلب می‌کنیم.

در فراز بعدی دعا می‌خوانیم: «وَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ يَا كُنَّا مِنْهَا» خدایا! (در عین حالی که این نعمت را به من می‌دهی) مرا به این نعمت آن قدر مشغول نکن که سرگرم شوم و نتوانم شکر تو را به جا بیاورم. (چون بعضی‌ها آن قدر بی‌ظرفیت هستند که وقتی خدا به آنها نعمتی می‌دهد، بدتر می‌شوند و شکر خدا را فراموش می‌کنند)

بعد می‌خوانیم: «تَلْبِئِنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهِ» خدایا عجایب بهجت (شادی و سرور) این نعمت تو، مرا مشغول و غافل نکند و باعث نشود از تو فاصله بگیرم (مثلاً یک کسی دارد داماد می‌شود، و آن قدر بهجت و سرور دامادی او را می‌گیرد که دیگر نمی‌تواند مثل قبل، نمازهایش را با تعقیبات بخواند!)

«وَتَفْتِنِي زَهْرَاتِ نَضْرَتِهِ» خدایا درخشندگی زیبای نعمت تو، مرا دچار فتنه نکند. «وَلَا يَأْقُلَالِي عَلَيَّ مِنْهَا فَيَقْصُرُ بَعْمَلِي كَدُهُ وَ يَمْلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ» خدایا در این نعمت برای من کم نگذاری که من درگیری ذهنی پیدا کنم و به مشقت بیفتم و هم و غم این کمبودها مرا بگیرد و بدتر مرا گرفتار کند. (یعنی خدایا نعمت را کامل به من بده تا من دیگر درگیر نصف و نیمه بودنش نشوم که از تو غافل بشوم)

«أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي غِنَى عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَ بَلَاغاً أَنَالُ بِهِ رِضْوَانَكَ» خدایا از این معیشت و نعمتهایی که به من می‌دهی، یک بی‌نیازی و غنایی از شرار خلق خودت به من بده (یعنی مرا گرفتار و محتاج آدم‌های بد نکن. چون گاهی انسان گرفتار می‌شود و مجبور می‌شود به آدم‌های بد، رو بیندازد. در اینجا می‌خواهیم که خدا ما را از این افراد بی‌نیاز کند)

امام هادی (ع) در این دعا به ما یاد می‌دهد که «با زبان خدا با خدا حرف بزنیم» / برخی مختصات زبان خدا

را در این دعا می‌بینید

این زبان خداست که امام هادی (ع) دارد به ما یاد می‌دهد. بیاید با زبان خدا با خدا حرف بزنیم. اگر می‌خواهی از خدا حاجت بگیری، با زبان خدا با او صحبت کن. برخی از مختصات زبان خدا را در این دعا می‌بینید. مثلاً اینکه «خدایا نعمتهایی که به من می‌دهی، کامل باشد، تام و تمام باشد یعنی خدایا! تو که کار ناقص انجام نمی‌دهی! پس این نعمت را بر من تمام کن!» یا اینکه «خدایا مرا گرفتار شرار خلق خودت نکن» چون خدا بدش می‌آید که آدم ذلیل کسی بشود. خدا مکرراً توصیه می‌کند که بنده کسی غیر از خدا نشوید و ذلیل کسی نشوید (أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ؟ هود/۲) ما هم همین را از خدا بخواهیم که «خدایا! تو که دوست نداری من ذلیل کسی بشوم، پس من را ذلیل نکن»

در فراز بعدی دعا می‌خوانیم: «وَأَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ أَهْلِهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا» خدایا من از شر دنیا و شر اهل دنیا و هرچه شر در این دنیا هست، به تو پناه می‌برم.

«دنیا زندان مؤمن است» ولی باید از خدا بخواهیم که «دنیا را برای ما زندان قرار ندهد»

در ادامه دعا می‌خوانیم: «وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا لِي سِجْنًا» یعنی خدایا، دنیا را برای من زندان قرار نده! احتمالاً شما این روایت را شنیده‌اید که «دنیا زندان مؤمن است؛ أَنْ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ» (کافی/۲۵۰/۲) همان طور که در ابتدای جلسه گفتیم، دین پیچیدگی‌هایی دارد و درک آن یک هوشمندی‌ای می‌خواهد.

از یک طرف فرموده‌اند که «دنیا زندان مؤمن است» و از طرف دیگر می‌فرمایند: بروید دعا کنید و از خدا بخواهید که «خدایا، دنیا را برای من زندان قرار نده، تا بتوانم نفس راحت بکشم» اینها با هم قابل جمع است و متناقض نیست. کم‌اینکه گفته‌اند: «در تناقض هشت وحدت شرط دان!» وقتی دو چیز بخواهند متناقض باشند، باید از همه‌جهت مساوی باشند در حالی که اینها از همه‌جهت مساوی نیستند.

دنیا از یک جهت می‌تواند زندان شما باشد اما یک جهت می‌تواند زندان نباشد. مثلاً از این جهت که نمی‌توانی امام حسین (ع) را ببینی، این دنیا برایت زندان است، ولی این مغایرتی ندارد با اینکه دنیا برای تو از نظر معیشت، زندان نباشد. یا مثلاً شما به هر کسی خوبی می‌کنی و کمک می‌کنی و محبت می‌کنی، او به تو بدی می‌کند یا خیانت می‌کند، از این جهت برای تو زندان است ولی از این جهت که وضع مالی و معیشت خوبی داری، برایت زندان نیست.

کسی که دنیایش خوب باشد، دنبال بهتر از آن یعنی «بهشت» خواهد بود / می‌شود آدم در دنیا خوش

بگذراند و جدا شدن از این دنیا هم برایش مهم نباشد

در عین حالی که دعا می‌کنی برای اینکه دنیا زندان تو نباشد، در عبارت بعدی از خدا می‌خواهی «وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ خُرْنًا» وقتی از دنیا می‌خواهم جدا شوم، دلم نگیرد. یعنی از یک طرف دنیا برای ما زندان نباشد و از سوی دیگر جدا شدن از این دنیا برای ما سخت و ناراحت‌کننده نباشد. مگر می‌شود آدم در دنیا خوش بگذراند و بعد که می‌خواهد از این دنیا برود، برایش سخت نباشد؟! بله، آدم‌های چشم و دل سیر، این طوری هستند. می‌گویند: «خدایا، اگر می‌خواهی این دنیا را از من بگیری، بگیر! من شیرهاش را کشیده‌ام و همه چیزش را برده‌ام، دیگر دنیا برای من حرف تازه‌ای ندارد! و حالا مشتاق بهشت تو هستم...»

کسی که مدتی ماشین خوب سوار شود، دیگر برایش سخت است که ماشین بد سوار شود. و هوس او به دنبال ماشین بهتر است. کسی هم که دنیایش خوب باشد، دنبال بهشت خواهد بود. یعنی از بهترین نعمت‌های دنیا به خوبی استفاده کرده است و حالا مشتاق نعمات بهتر و بالاتر از اینها یعنی نعمات بهشتی است. ان شاء الله ما هم این را تجربه کنیم.

و در عبارت بعدی دعا می‌خوانیم: «أَجْرُنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا غَنَى مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ وَ مَسَاكِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ» خدایا از فتنه‌های این دنیا، یک طوری که خودت از من راضی باشی و اعمالم نزد تو مقبول باشد، مرا عبور بده تا به آن حیات اصلی برسم.

کاش این قطعه از دعای ابوحمزه را در سحرهای ماه رمضان پخش کنند / مگر می‌شود کسی زندگی را

دوست نداشته باشد ولی از خدا طول عمر بخواهد؟!

در فرازی از دعای ابوحمزه ثمالی- که خوب است در سحرهای ماه رمضان بخوانیم- آمده است: «يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وَالدَيَّ وَ وُلْدِي وَ أَهْلِ خُرَاتِي وَ إِخْوَانِي فَيَكُ» ای کسی که بهترین کسی هستی برای اینکه از تو سؤال کنند و پُر جودترین کسی هستی که عطا می‌کنی، خدایا سؤال مرا جواب بده و دعای مرا درباره خودم و اهل بیست و پدر و مادر و برادران دینی من، مستجاب کن.

«وَأَرْغِدْ عَيْشِي» خدایا زندگی و معیشت مرا وسعت بده «وَأَطْهَرْ مُرُوءِي» خدایا جوانمردی مرا اظهار کن (من داشته باشم که سفره بیندازم و ببخشم، به دیگران وام بدهم) «وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي» خدایا همه احوال ما را اصلاح کن. «وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمْرُهُ»

خدایا عمر مرا طولانی قرار بده (مگر ممکن است کسی زندگی را دوست نداشته باشد اما در عین حال دعا کند که خدایا عمر مرا طولانی قرار بده!)

• در چند جمله بعد می‌خوانیم: «**وَ اَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً**» خدایا مرا جزء کسانی قرار بده که حیات طیبه به آنها داده‌ای. «**فِي اَذْوَمِ السُّرُورِ**» خدایا مداوم‌ترین شادمانی در دل من باشد «**وَ اَسْبَغِ الْكِرَامَةَ**» خدایا تمام و کامل‌ترین گرامی داشته شدن را برای من قرار بده، یعنی طوری که دیگر بهتر از این نشود در این دنیا به من احترام گذاشته شود. «**وَ اَتَمِّ الْعَيْشِ**» خدایا تمام‌ترین عیش دنیا را به من بده! «**اِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ**» تو هر کاری بخواهی می‌توانی انجام دهی.

• ای کاش این قطعه از این دعای ابوحمزه را هر شب در برنامه سحر پخش کنند و ما بشنویم و برای ما یادآوری شود. چون خوب است که مدام برای ما یادآوری شود که ما چنین خواسته‌های خوبی را از خدا بخواهیم.

غیرت مؤمن فقط نسبت به بندگی نیست، نسبت به زندگی هم هست/ انقلابی بودن یعنی اگر کسی خواست مانع زندگی بهتر ما شود، در مقابلش بایستیم

• ما باید آن قدر تمنا و طمع خودمان را به زندگی بهتر بالا ببریم (البته از راه دست و پا تعریف صحیح از زندگی بهتر) تا هر کسی خواست مانع زندگی بهتر ما شود در مقابلش بایستیم؛ این یعنی انقلابی بودن، این یعنی سرباز حضرت بودن. آن قدر باید غیرت ما نسبت به زندگی بهتر بالا برود که اگر دیدیم در گوشه‌ای از دنیا ظالمان دارند زندگی بهتر را از کسی منع می‌کنند، بلند شویم و برویم آن ظالمان را از صفحه گیتی محو کنیم. باید همه عالم از هیبت ما بترسند که بخواهند به کسی ظلم کنند و دنیای کسی را خراب کنند.

• مؤمن نسبت به زندگی هم غیرت و حمیت دارد. این طور نیست که مؤمن فقط غیرتش نسبت به بندگی بالا باشد، بلکه نسبت به زندگی خودش و دیگران هم غیرت دارد. و اجازه نمی‌دهد کسی این زندگی را خراب کند. اصلاً چرا در این دنیای امروز ما، اکثر مردم نباید حداقل‌های زندگی خوب را داشته باشند؟!

خداوند چه موقع دعای مظلومین را مستجاب می‌کند؟/ وقتی تعداد مظلومین بیش از ظالمین باشد خدا دعای آنها را مستجاب نمی‌کند

• می‌دانید خداوند چه موقع دعای مظلومها را مستجاب می‌کند؟ آیا وقتی که ظلم به آنها زیاد بشود، خدا دعای آنها را مستجاب می‌کند؟ وقتی که تعداد مظلومها از تعداد ظالمها کمتر باشد، خدا دعای مظلوم را مستجاب می‌کند اما وقتی تعداد مظلومها از تعداد ظالمها بیشتر باشد، دیگر خدا دعای مظلومها را مستجاب نمی‌کند، بلکه به آنها می‌فرماید: شما که تعدادتان بیشتر از ظالمین است، پس چرا نشسته‌اید و دعا می‌کنید؟! بلند شوید و حق خودتان را از ظالمین بگیرید. (رسول الله ص: **اِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَسْتَجِيبُ لِلْمَظْلُومِيْنَ، مَا لَمْ يَكُوْنُوْا اَكْثَرَ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ، فَاِذَا كَانُوْا اَكْثَرَ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ؛** زندگی بهتر- الفردوس ۱/۱۴۹/۵۳۸) حکمت نامه پیامبر اعظم (ص) بری شهری، ج ۱۰، ص: ۲۷۹

• الان تعداد مظلومها در جهان بیشتر است یا تعداد ظالمها؟ معلوم است که تعداد مظلومها بیشتر است. خُب چرا این مظلومها قیام نمی‌کنند؟ چرا فقط باید بنشینند و دعا کنند؟! در این شرایط، با دعا مشکل حل نمی‌شود. به قول آیت الله بهجت (ره) این چیزها با دعا حل نمی‌شود، بلکه با عوا حل می‌شود!

نقطه مقابل بلندهمتی، شهوت و هرزگی است/ باید همت خودمان را در زندگی بالا بگیریم

- مؤمن نه تنها نسبت به زندگی خودش غیرت دارد و نمی‌گذارد کسی زندگی‌اش را خراب کند، بلکه در خانه هم سر زندگی بهتر صحبت می‌کند و از خدا بهترین زندگی و عیش دنیا را طلب می‌کند (وَ اَتَمِّ الْعَيْشِ؛ خدایا تمام‌ترین عیش دنیا را به من بده)
- ما باید همت خودمان را در زندگی بالا بگیریم. می‌دانید نقطه مقابل بلندهمتی چیست؟ شهوت و هرزگی است. پس ما داریم شما را به نقطه مقابل شهوت و هرزگی دعوت می‌کنیم. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «هیچ کسی را بالا نبرد، چیزی مانند همتش و هیچ کسی را زمین نزد، چیزی مانند شهوتش؛ ما رَفَعَ اِمْرًا كَهَمَّتِهِ وَ لَأ وَضَعَهُ كَشَهْوَتِهِ» (غررالحکم ۹۷۰۷) انسان را همت خودش بالا می‌برد.

شهووتران اسیر زندگی قدرت پرستان می‌شود / غریبها ما را به شهوت دعوت می‌کنند تا همیشه فقیر باقی بمانیم

• **می‌دانید چرا فرهنگ و تمدن غرب، ما را به شهوترانی دعوت می‌کند؟ چون آدم شهوتران فقیر خواهد بود، زندگی‌اش لذت بخش نخواهد بود، نمی‌تواند زندگی دیگران را لذت بخش کند. آدم شهوتران اسیر زندگی قدرت پرست‌ها خواهد شد و همیشه به نان اندکی قانع خواهد شد.**

• اینکه غریبها ما را به شهوت دعوت می‌کنند برای این نیست که ما خوش بگذرانیم! بلکه ما را به شهوت دعوت می‌کنند تا برای همیشه فقیر باقی بمانیم، تا ثروتمندهای عالم از سرانه ثروت مردم عالم، چپاول کنند و ببرند و بخورند و کسی قدرت نداشته باشد در مقابل آنها بایستد. صهیونیست‌ها یک گروه کوچکی هستند که امروز بر جهان حاکم هستند و آن قدر ثروت جمع کرده‌اند که ثروت‌شان را نمی‌شود شمرد و هر کاری که می‌خواهند، دارند انجام می‌دهند (البته در محدوده مقدرات الهی)

چرا مجالس دعا خلوت است؟ / خدا خوشش نمی‌آید آدم‌های دون‌همت در خانه‌اش دعا کنند

- چرا همت یک جوان ایرانی صرفاً باید در این حد باشد که مثل یک کارمند مرفه اروپایی زندگی کند؟ چرا نباید همتش بالاتر از اینها باشد؟ چرا نباید همتش این باشد که رفاه بالاتری به دست بیاورد؟ چرا ما باید این طور حداقلی زندگی کنیم؟! ما باید همت خود را خیلی بالا ببریم، همان طور که در دعای ابوحمزه می‌خوانیم: خدایا تمام‌ترین عیش دنیا را به من بده (وَ اَتَمِّ الْعَيْشِ) چرا این چیزها را جزء دعاهای خودمان قرار نمی‌دهیم؟ می‌دانید چرا مجالس دعا خلوت است؟ چون خدا خوشش نمی‌آید آدم‌های دون‌همت در خانه‌اش دعا کنند
- خدایا دنیا تا حالا خیلی ما را بی‌دین کرده است؛ فقر ما، گرفتاری‌های ما، بد زندگی کردن ما، باعث دوری ما از تو شده است. خدایا، زندگی دنیای ما را بهترین زندگی‌ها قرار بده تا دیگر برای دنیا حرص نزنیم، تا بعد از بهره‌مندی از دنیا، به سراغ بهتر از این دنیا برویم و بهشت تو را تمنا کنیم.

